

[الاذاعة لما كان وما يكون بين يدي الساعة](#)

نوشته: سید محمد صدیق حسن.

ناشر: مؤسسه سعودی مصر.

شماره صفحه ها:.

مؤلف، در قنوج هند، چشم به هستی گشود، در دهلی به کسب دانش پرداخت، سپس برای امرار معاش، به (بهوبال) سفر کرد و با تلاش و پشتکار، ثروت فراوان، به دست آورد و با ملکه (بهوبال)، ازدواج کرد. با حضور در صحنه افکار جدید و اصلاح طلبانه و در شمار شخصیت‌های دوره نوین نهضت اسلامی قرار گرفت. از وی آثار ارزشمندی در علوم و معارف اسلامی به زبان‌های: عربی، فارسی و هندی به یادگار مانده است (45). از جمله کتاب: (الاذاعة لما كان وما يكون بين يدي الساعة).

این اثر، همان گونه که از نامش پیدا است، ملاحم و فتن پیش از قیامت را در بر دارد. نویسنده، ابتداء احادیثی که در باب حضرت مهدی و مسأله غیبت در منابع روایی چون: سنن، معاجم، مسانید و... آمده و از آنها استفاده تواتر می‌شود، گرد می‌آورد. پس از اثبات تواتر احادیث، به شبهات و خرده گیری‌هایی که از سوی ابن خلدون و... در مورد احتجاج به احادیث حضرت مهدی شده می‌پردازد و به ابن خلدون که می‌نویسد: (احادیث مربوط به غیبت مهدی، برخی با برخ دیگر معارض است و راویان بعضی احادیث، چون حافظه و ضبط قوی نداشته اند، مورد طعن و جرح قرار گرفته اند. تنها به روایاتی که از سوی محققان از محدثان رسیده، می‌شود عمل کرد). پاسخ می‌دهد:.

اولاً، در کتاب‌های صحیح نیز، راویان مورد طعن و جرح وجود دارد. افزون بر این، احادیث مربوط به مهدی را محدثان مورد اعتمادی، چون: ترمذی، ابی داود، ابن ماجه، حاکم، طبرانی و ابی یعلی الموصلی به اسناد جماعتی از صحابه نقل کرده اند. ثانیاً، احادیث مربوط به مهدی، برخی صحیح و بعضی حسن و ضعیف هستند. از آن جا که برخی احادیث، به برخ دیگر یاری می‌رسانند و به شواهدی نیز، تقویت می‌شوند، می‌شود بر آنها اعتماد کرد.

ثالثاً، مسأله امام زمان (عج) و ظهور وی، مشهور بین همه مسلمانان و اهل اسلام است و در طول عصرها و قرن‌ها، زبان به زبان منتقل شده و همه بر آن بوده و هستند که ناچار در آخر الزمان، فردی از اهل بیت پیامبر (ص) ظهور می‌کند و دین را تأیید و عدل را ظاهر می‌سازد و مسلمانان از وی پیروی می‌کنند و بر بلاد اسلامی مسلط می‌شود. این شخص مهدی نامیده می‌شود.

آن گاه می‌نویسد: خروج دجال و فرود آمدن عیسی و وقایع پس از آن، از نشانه های رستاخیزند و روایات صحیح و در حدّ تواتر، بر آنها دلالت می‌کنند و جایی برای انکار آنها نیست و برای تأیید دیدگاه خود، سخن شوکانی را گواه می‌آورد: (قال: والاحادیث الواردة في المهدي التي امکن الوقوف عليها منها خمسون حديثاً فيها الصحيح والحسن والضعيف المنجبر وهي متواترة بلا شك ولاشبهة، بل يصدق وصف التواتر علي ما هودونها علي جميع الاصلاحات المحررة في الاصول واما الآثار عن الصحابة المصرحة بالمهدي فهي كثيرة ايضاً...)(46).

احادیثی که درباره حضرت مهدی (عج) رسیده و امکان دسترسی به آنها وجود دارد، از جمله پنجاه حدیث است که در بین آنها، صحیح، حسن، ضعیف و منجبر وجود دارد و اینها متواترند، بدون شك و شبهه، بلکه کمتر از اینها بنا بر همه اصطلاحاتی که در اصول بدان اشاره شده، تواتر صدق می‌کند. اما آثار صحابه که در آنها تصریح به مهدی شده نیز، زیاد است. در این جا اشاره ای دارد به کتاب سید علامه بدرالملة المنیر محمدین اسماعیل الیمانی و روایاتی که وی گرد آوری کرده درباره: ظهور مهدی از آل محمد در آخر الزمان، مشخص نبودن زمان ظهور و اشاره به روایتی که می‌گوید: (پیش از ظهور مهدی دجال خروج می‌کند).

آن گاه، احادیث رسیده درباره حضرت مهدی را این گونه دسته بندی می‌کند:.

1. درباره اسم، نسب، مولد، بیعت کنندگان، هجرت کنندگان باوی، سیره و صفات وی.

2. برشمارندگان ویژگیها حضرت و نشانه های ظهور.

3. درباره فتنه ها و حادثه هایی که پیش از ظهور پدید می آید.

4. ملاحمی که در زمان حضور حضرت، واقع می شوند و نشانه نزدیکی رستاخیزند.

نویسنده در ذیل هر حدیثی که می آورد، نکاتی را درباره حدیث و روایان آن، یادآوری می شود. از باب نمونه، در ذیل روایت طلحة بن عبدالله می نویسد:

أخرج الطبراني في الأوسط وفيه مثنى بن الصباح وهومتروك وضعيف جداً ووثقه ابن معين في رواية وضعفه أيضاً وليس في الحديث تصريح بذكر المهدي... (47).

طبرانی در الاوسط، روایت را آورده است. در سند روایت، مثنی بن الصباح، که کنار گذاشته شده و جدأضعیف شمرده شده، وجود دارد. در روایتی، ابن معین، او را توثیق کرده و ضعیف نیز دانسته است. در حدیث، تصریح به نام مهدی نشده است. به دیدگاههای متصوفه و شیخیه اشاره می کند و ابراز می دارد:

(آنان دیدگاه درستی نسبت به مسأله مهدی ندارند و مبنای سخنان خود را از اصول واهی گرفته اند).

می نویسد:

(ما، در اعتقادات و دیدگاههای مذهبی خویش، جز به قرآن و احادیث تمسک نمی جوئیم و دین را جز از این دو راه اثبات نمی کنیم).

در مورد ردّ کسانی که استدلال به این روایات را درباره مهدی، نادرست می پندارد، بویژه ابن خلدون، افزون بر آنچه یادآور شده می نویسد:

(این احادیث، کمتر از احادیثی که در باب احکام شرعی مورد استناد قرار می گیرند، نیست و معمول است که فقها، به اینگونه روایات استدلال می کنند و آنچه راجع به جرح و تعدیل روایان گفته شده، در سایر سندهای روایات نیز، وجود دارد. بنابراین، مسأله مهدی جای شك و شبهه ندارد و با وجود دلیلهای بسیار، انکار آن ایستادگی در برابر نصوص مستفیضه ای است که به حد تواتر نیز می رسد).

سپس استناد می کند به دیدگاه شیخ علامه محمد بن احمد السفارینی حنبلی که مجموع احادیث را موجب علم قطعی دانسته و ایمان به خروج حضرت را واجب شمرده است.

(...ما يفيد مجموعة العلم القطعي فالایمان بخروج المهدي واجب كما هو مقرر عند اهل العلم ومدون في عقائد أهل سنة والجماعة.) (48).

مجموع احادیث، مفید علم قطعی به وجود قیام مهدی است. از این روی، ایمان به قیام مهدی، واجب است همان گونه که نزد اهل دانش ثابت شده و در عقاید اهل سنت و جماعت تدوین شده است.

سخن آخر را به حوادثی که پیش از خروج حضرت مهدی، رخ خواهد داد و نشانه ظهور و... اختصاص می دهد.